

مسئولیت و سازندگی

روش تربیتی اسلام

علی صفایی هائری (عین.صاد)

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرنشانه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:
شابک:

مستوفی، علی صفایی حائری (عین - صاد).
قم: انتشارات نوره، ۱۳۳۰-۱۳۷۸.
۲۹۶ ص. ۲ جلد، در یک جلد.
قیافه:
این کتاب قبلاً با ضمیمه انسان در دوره اسلامی و آموزش و پرورش
مسئولیت (اسلام)
۵ م ۷ ص / ۱۸ / BP ۲۳۰
۲۹۷ / ۴۸۳۷
۱۴-۸۳ م
۶-۷-۷۸۰۳-۹۶۴-۹۷۸

مسئولیت و سازندگی

علی صفایی حائری (عین - صاد)

- چاپ بیست و چهارم: ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۵۰۰۰
- تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱
- همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات لیلة القدر
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا
۰۲۱-۸۶۰۴۵۷۸۰

فهرست

جلد اول

۱۳ حرف‌هایی که با «ش» شروع می‌شوند...

فصل اول: مسئولیت

- ۲۱ تعریف مسئولیت
- ۲۴ زیربنای مسئولیت
- ۲۵ خلاصه
- ۲۵ نوع مسئولیت
- ۲۶ راه شناخت مسئولیت

فصل دوم: تربیت

- ۳۱ مفهوم تربیت
- ۳۳ امکان تربیت
- ۳۵ شکل تربیت انسان
- ۳۵ روش‌های تربیتی
- ۳۹ گستردگی مسئولیت تربیتی

فصل سوم: مربی کیست؟

- ۴۳ _____ مربی کیست؟
- ۴۳ _____ دیدگاه‌ها
- ۴۷ _____ ویژگی‌ها
- ۴۹ _____ ضرورت مربی
- ۵۰ _____ نقش‌های مربی

فصل چهارم: روش تربیتی اسلام

- ۵۷ _____ اسارت‌ها
- ۵۸ _____ عشق بزرگ‌تر
- ۶۰ _____ شناخت
- ۶۱ _____ تزکیه و آزادی
- ۶۱ _____ ۴. تعلیم و آموزش
- ۶۱ _____ ۳. تذکر و یادآوری
- ۶۲ _____ نظام تربیتی اسلام
- ۶۳ _____ آزادی و تزکیه
- ۶۹ _____ تعلیم و آموزش
- ۸۰ _____ تذکر و یادآوری
- ۸۶ _____ تدبیر
- ۹۱ _____ تفکر
- ۹۸ _____ تعقل
- ۱۰۲ _____ خلاصه

فصل پنجم: روش شناخت

- ۱۰۷ _____ روش شناخت
- ۱۰۸ _____ تخیل
- ۱۰۸ _____ تفکر
- ۱۰۸ _____ تجرد

- ۱۰۹ استدلال و اشراق
 ۱۰۹ آزمایش و آمار
 ۱۰۹ آزمایش و نمونه برداری
 ۱۱۰ نظریه و استدلال
 ۱۱۰ شناخت جامع
 ۱۱۰ اصول

فصل ششم: جهان بینی اسلامی

- ۱۱۷ جهان بینی اسلامی
 ۱۱۷ کلیدها
 ۱۱۸ تفکر در انسان
 ۱۲۳ تفکر در استعدادها
 ۱۲۸ تفکر در مقدار استعدادها
 ۱۲۹ ملاک ها
 ۱۳۰ روش ها

فصل هفتم: آرمان ها

- ۱۳۳ آرمان ها

فصل هشتم: شکل ها و شاغول ها

- ۱۵۱ شکل ها و شاغول ها
 ۱۵۱ زیر بناها
 ۱۵۳ شکل ها
 ۱۵۳ شاغول ها
 ۱۵۵ شاخه های سازندگی:
 ۱۵۵ ۱. معاشرت
 ۱۵۶ ۲. عمل
 ۱۵۷ ۳. ارشاد
 ۱۶۰ ۴. طرح سؤال

جلد دوم

یس

۱۶۸	استعدادها
۱۷۸	صالح و مصلح
۱۷۹	نشانه‌ها
۱۷۹	طرز برخورد

فصل نهم: روحیه‌ها

۱۸۵	روحیه‌ها
۱۸۵	مرده‌ها
۱۸۶	کرها
۱۸۶	کورها
۱۸۸	۱. بی‌شکل و منافق
۱۸۸	معنای نفاق
۱۸۹	عامل نفاق
۱۸۹	علامت‌ها
۱۹۱	روش سازندگی و درگیری
۱۹۳	۲. مغرور و شکل گرفته و سرشار
۱۹۳	عامل‌ها
۱۹۵	درگیری
۲۰۰	۳. معاند و لجوج و بی‌اعتنا
۲۰۱	درگیری
۲۰۴	۴. متنفر و بدبین و شکاک
۲۰۵	عامل‌ها
۲۰۵	طرز برخورد
۲۰۹	۵. مایوس و رنج دیده
۲۱۰	عامل‌ها
۲۱۱	طرز برخورد

۲۱۵	۶. پوچ و خسته و دلزده
۲۱۶	شکل های پوچی
۲۱۶	۱. عصیان
۲۱۷	۲. انتحار
۲۱۷	۳. دم غنیمتی
۲۱۷	۴. بی تفاوت
۲۱۸	عامل ها و انگیزه ها
۲۱۹	طرز برخورد
۲۳۳	۷. روحیه لیز و دنیا زده
۲۳۳	عامل ها
۲۳۵	طرز برخورد
۲۳۹	روحیه سرد و سردر لاک
۲۴۰	انگیزه ها
۲۴۳	طرز برخورد
۲۴۸	۹. روحیه خون سرد و بی تفاوت
۲۴۹	عامل ها و انگیزه ها
۲۵۱	طرز برخورد
۲۵۶	۱۰. سست عنصر و ترسو
۲۵۷	ریشه ها و انگیزه ها
۲۶۱	طرز برخورد
۲۶۶	خلاصه

فصل دهم: هنگام تربیت

۲۶۹	هنگام تربیت
۲۷۱	۱. ارزیابی و شناسایی
۲۷۱	علامت ها
۲۷۲	برخوردها
۲۷۲	لطافت ها

- ۲۷۳ ۲. آشنایی و دوستی
- ۲۷۵ ۳. جذب و صمیمیت
- ۲۷۸ ۴. زمینه سازی
- ۲۸۶ مرور

www.ketab.ir

مسئولیت و سازندگی

جلد اول

www.ketab.ir

حرف‌هایی برای گفتن ...!

با درک استعدادها

و شناخت نیازها

و در زمینه اعتقادهایم، من به مسئولیت رسیدم.

مسئولیتی در برابر فقر و جنگ و جهل

ضرورت این حادثه‌ها

و درک تنهایی

و شعله‌ها و جرقه‌های عشق و علاقه‌ام، در من چشمه‌هایی کردند و نهرهایی

کشیدند و جدول‌هایی بستند ... چه در برخوردها و دیدارها و چه در زبان و گفت‌وگوها

و چه در قلم و نوشته‌هایم.

در انتشار نوشته‌ها کارم را با این مقاله‌ها شروع کردم.

۱. نویسنده در این کتاب، آیات و روایاتی را بدون ترجمه فارسی مورد استناد قرار داده‌اند. در این چاپ برای استفاده

بهتر خوانندگان گرامی، این آیات و روایات در پانویس ترجمه شده است. لذا پانویس‌هایی که فقط ترجمه آیات و

روایات در آنها آمده است از ناشر بوده و بقیه پانویس‌ها از استاد صفایی می‌باشد. همچنین در برخی از پانویس‌های

استاد، ترجمه متون عربی در قلاب آماده است که آن هم از ناشر می‌باشد. (ناشر)

من می‌دیدم که انسان و مذهب هر دو از آزادی و تفکر شروع می‌شوند و به شناخت‌ها (جهان‌بینی) و آرمان‌ها (ایدئولوژی) می‌رسند و بر اساس این دو اصل معرفتی و عقیدتی به نظام‌ها و احکامی رو می‌آورند.

انسان و مذهب، این هر دو از تفکر شروع می‌شوند و تفکر:

به مواد فکری (تجربه و تدبر)

و به نقد و سنجش (تعقل)

و شکل فکری (منطق صوری)

و به روش فکر کردن (آزادی، آموزش، یادآوری) نیاز دارد.

مسئله تفکر معالجه‌هایی پیش می‌آورد:

در چه فکر کردن

چگونه فکر کردن،

چگونه مطالعه‌ها و تفکرها و نیازها و زمینه‌ها را هماهنگ کردن.

تفکر این همه را به دنبال می‌کشد و نظام تربیتی را شکل می‌دهد.

من تفکر را خط اول می‌دانم؛ چون گرچه انسان همیشه همراه جبر محیط و جامعه و وراثت و غریزه و ... بوده لیکن محکوم اینها نگردیده؛ چون انسان در تضاد جبرها به آزادی رسیده و از محدوده روابط تولیدی و رفلکس‌های شرطی و غریزه جنسی

۱. آنها که دین را از مقطع توحید یا نبوت یا انسان شروع می‌کنند، در حقیقت آن را از وسط شروع کرده‌اند و از میان بریده‌اند؛ چون اینها همه به شناخت‌ها و تفکرهایی نیاز دارند. و این قرآن است که می‌گوید: «إِنَّمَا أُعْطِیْكُمْ یَاحَیْذَیْقَ أَنْ تَقُومُوا لِیْلِهِ مَشْیُ وَفَرَادَیْ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...» [من شما را فقط یک پند می‌دهم: دو تا دو تا و یک یک برای خدا قیام کنید و بر پا بایستید، و سپس تفکر کنید...] سبأ، ۴۶. قیام و تفکر شروع پیشنهاد و طرح رسول است. در این قیام به خاطر الله، همان است که در آن آیه‌ها آمده: «لَإِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَقَوْلِهِمْ اللهُ...» [و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ قطعاً می‌گویند خدا...] لقمان، ۲۵. همان الله و حقیقتی که در نهاد خویش و در خلقت و فطرت خویش طالب او هستید و در جست‌وجوی او.

و همین‌طور انسان هم با آزادی و تفکر شروع می‌شود، نه با نظام اقتصادی و روابط تولید و یا جبرهای دیگر... که انسان در کنار جبرها به آزادی می‌رسد و با تفکر و شناخت‌هایش گام برمی‌دارد.

و غریزه قدرت‌طلبی رها شده و می‌تواند آن‌گونه که باید و آن‌گونه که می‌خواهد فکر کند و به شناخت‌ها و بینش‌هایی برسد.

با همین توجه است که ما از مکتب‌های دیگر فاصله می‌گیریم و در راه آزادی، آن‌هم آزادی در سایه جبرها، پیش می‌رویم.

اگر انسان از یک جبر برخوردار بود، دیگر مسئله‌ای نبود. اما انسان در روابط فکر و سنجش و بهترطلبی به انتخاب و آزادی می‌رسد و راه خویش را می‌یابد و می‌تواند - اگر خواست - از تلقین و تحمیل و تقلید و عادت‌ها و سنت‌ها رها شود و اگر نخواست می‌تواند همین‌ها را انتخاب کند، که باز هم انتخاب اوست.

من با مسئولیت و سازندگی شروع کردم؛ چون می‌دیدم ما امروز بیش از هر وقت دیگر، نیازمند این مسئله هستیم.

ما در سازندگی و تربیت افراد، آموزش سرشار و غنی خودمان بهره نمی‌بریم و با شعارها و تلقین‌ها و دردها و رنج‌ها و محرومیت‌ها، استعدادها را داغ می‌کنیم و از دیگران سرمشق می‌گیریم، در حالی که ما در هدف و در روش، در هیچ‌کدام با آنها همانندی و هماهنگی نداریم. ما در راهی می‌رویم که به هدف ما نمی‌رسد و در نتیجه طعمه آنها می‌شویم و نردبان مقاصدشان.

ما در روش تربیتی دو اشکال اساسی داریم:

یک. این که شناخت‌ها و آگاهی‌ها را بسته‌بندی می‌کنیم و از دیده‌های خودمان می‌گوییم و یافته‌ها را صادراتی می‌فرستیم.

از روش‌هایی که ما را به شناخت‌ها رسانده‌اند حرفی نمی‌زنیم و دید نمی‌دهیم. ما بر قله‌ها عروج کرده‌ایم و از دیدگاه‌ها و منظره‌های زیبا حرف می‌زنیم و این پایینی‌ها فقط با گوش خودشان کار می‌کنند. آنها چشم‌هاشان در تاریکی است و پاهایشان در شهوت عروج، اما ما از راه ... تا قله نشانی نمی‌دهیم و آنها را سرگرم می‌کنیم.

دو. دردناک‌تر اینکه، این بسته بندی‌ها را الاقل زمینه‌سازی هم نمی‌نماییم. کاسه‌ها را پاک نکرده، از شیر سرشار می‌سازیم و در نتیجه مسمومیت می‌آفرینیم و نه تنها صاحب کاسه که هر مهمان محتاجی را به رختخواب می‌سپاریم و به مرگ می‌دهیم.

اگر ما استعدادها را با کلیدها و روش‌ها و ملاک‌ها آشنا کنیم و آرمان‌هایی بزرگ‌تر از آزادی و عدالت و آگاهی و عرفان و رفاه و تکامل نشان بدهیم و از راه رسیدن به آن حرفی بیاوریم، نه به بن‌بست می‌رسیم و نه طعمه می‌شویم و نه در کشاکش مکتب‌ها، بر سر چند راهی انتخاب، حیران می‌مانیم. ما مکتبی را می‌خواهیم که بالاتر از تکامل بهره بیاورد و راه هم نشان بدهد و به تلقین و ریاضت و شعار اکتفا نکند. استعدادهای تکامل یافته، تازه، راه و جهت می‌خواهند... راهی نه به بن‌بست نشسته و جهتی نه پست‌تر و یا بی‌ارزش‌تر و عالی‌تر.

ما مکتبی را می‌خواهیم که انسان را زیاد کند، نه فقط علم و عقل و ثروت و... او را؛ انسان را زیاد کند تا او بتواند به استعدادهای تکامل یافته‌اش جهت بدهد و آنها را رهبری کند؛ که زیاد شدن انسان و رشد انسان؛ یعنی همین جهت دادن به خویشتن و رهبری کردن خویش.

و همین است که بلال‌ها و ابوذرهای تاریخ، با درک این ملاک‌ها و رسیدن به این آرمان‌ها زندگی و مرگ و جامعه و حکومت خویش را نقد می‌زدند و حتی به عدالت و فتوحات و غنائیم غم‌هم قانع نمی‌شدند، که عمر هدف عظیم حکومتی اسلام را تا سر حد رفاه و استعمار و فتوحات، تنزل داده و آن را مسخ کرده بود؛ و جامعه انسانی را در حد یک دامپروری بزرگ و مرفه درآورده بود.

با این ملاک رشد و زیاد شدن انسان، تمام سؤال‌های: چرا زنده باشم؟

در زندگی دنبال چه باشم؟ و چرا خود را زیاد کنم؟ و... همه حل می‌شوند...

چون هنگامی که انسان نیازهای عظیم دارد و وقت کم، چاره‌ای جز این نیست که خودش را زیاد کند و رشد بدهد و زندگی و مرگش را در این راه بگذارد و جلودار راه باشد و پیشوای راه‌رفته‌ها.^۱

این را هم بگویم که برای حرکت و سازندگی، تنها این شناخت‌ها و آگاهی‌ها کافی نیستند و حتی عشق و طلب هم کافی نیست، که ورزیدگی و تمرین ضروری است. من کسانی را می‌شناسم که از عشق و آگاهی برخوردارند و راستی می‌خواهند که گامی بردارند و باری را به دوش بگیرند... اما بازویشان توانایی ندارد و ورزیده نیست... اینها اگر بخواهند به زور باری را بردارند کمر خود را می‌شکنند و پای خود را زیر بار له می‌کنند. یا از دست می‌روند و یا مایوس و خسته می‌شوند... جوجه‌هایی که شور پرواز دارند اما بالشان نیست. ناهار طعمه کلاغ می‌شوند و بازیچه بچه‌ها و هدیه مرگ. آنها که می‌خواهند وزنه‌های سنگین را بردارند، باید از وزنه‌های کوچک شروع کنند و ورزیدگی‌هایی به دست بیاورند... تا آماده‌تر شوند.

پس از رسیدن به آگاهی و طلب، آنها که می‌خواهند حرکت‌هایی و کارهایی داشته باشند، باید از گام‌های کوچک و پروازهای کوتاه استفاده ببرند و تمرین کنند و آماده بشوند... آن وقت نه پروازهای بزرگ مغرورشان می‌کند و نه گام‌های بلند به نخوتشان می‌کشاند و نه بارهای سنگین کمرشان را می‌شکند.

اگر می‌بینی که با آگاهی‌ها و عشق‌ها باز هم مانده‌ای و قدرت پروازت نیست به تمرین رو بیاور و عشق و طلب را در این راه رهبری کن تا به آن خواسته‌ها برسی و به آن مقصدها دست بیابی.

در این نوشته‌ها تلاشم این بوده که این کمبودها تأمین شوند و یا راهیابی برای تأمینشان آغاز گردد.

۱. «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (و ما را پیشوا و جلودار اهل تقوا قرار بده). فرقان، ۷۴.

در این نوشته‌ها از:

مسئولیت و زیربناها و ...

و تربیت و مفهومش و امکانش و ...

و مربی، دیدگاه‌ها، ویژگی‌ها، ضرورت و ...

و روش تربیتی،

روش شناخت اسلامی،

جهان بینی اسلامی،

آرمان‌های اسلامی

و شکل‌ها و شاخه‌ها

و استعدادها و رومبده‌ها

و هنگام مناسب سازندگی، سخن‌هایی رفته و در بحث جهان بینی اسلام طرحی

آمده ... تا آنها که تمام اسلام را در ۱۶ صفحه می‌خواهند نمونه‌ای ببینند.

البته این طرح را کامل مطرح ننمودم؛ چون در نوشته‌ها و از آن سخن رفته بود.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید ...